

**The efficiency of the Islamic Republic of Iran and the crisis of legitimacy**

Behniya Aslani<sup>1</sup>  
GholamReza Khajehsarvi<sup>2</sup>

Received Date: 25 Dec 2021  
Reception Date: 20 Mar 2022

The system of the Islamic Republic of Iran was established after the victory of the Islamic Revolution in 1978. This system has faced challenges in the field of legitimacy and the main question of this article has been the efficiency of the system of the Islamic Republic of Iran in resolving the crisis of legitimacy. How to deal with this crisis and the measures that the system of the Islamic Republic of Iran has taken so far to prevent or overcome the crisis of legitimacy is the central issue of this article. The hypothesis of this research shows the success of the Islamic Republic in preparing the infrastructure of legitimacy (legitimacy and legality) and the superstructure of legitimacy (acceptability and efficiency) and has followed the process of resolving the crisis of legitimacy through four means (legitimacy, legality, acceptability and efficiency) which is a new research in this regard. The theoretical framework of this research is the theory of political crises, which has been followed by understanding and inferring from valid scientific texts and documents with a qualitative method of interpretive type. The findings of this research show the efficiency of the Islamic Republic of Iran in resolving the crisis of legitimacy, especially in the prepared infrastructure (legitimacy and legality) and the restoration of its infrastructure (acceptability and efficiency) in the Islamic Republic of Iran and it has checked the process of resolving them through the four columns (legitimacy, legality, acceptability, and efficiency) to provide ways of legitimacy.

**Keywords:** Crisis of legitimacy, efficiency and system of the Islamic Republic.

---

1. Ph.D student of Iranian Issues, Political Science Group, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Ba-pnu@yahoo.com  
2. Professor of the Department Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

## کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران و بحران مشروعیت

بهنیا اصلانی<sup>۱</sup> دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۴

غلامرضا خواجه سروی<sup>۲</sup> پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

### چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران بعد پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ ایجاد شده است، این نظام با چالش‌های در حوزه مشروعیت مواجه بوده و سؤال اصلی این مقاله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حل بحران مشروعیت بوده است، نحوه مواجهه با این بحران و اقداماتی که نظام جمهوری اسلامی ایران تا حال حاضر برای پیشگیری یا غلبه بر بحران مشروعیت انجام داده، مسئله محوری این مقاله می‌باشد. فرضیه این پژوهش نشان‌دهنده توفیق جمهوری اسلامی در تمهید زیربناهای مشروعیت (حقانیت و قانونیت) و روبناهای مشروعیت (مقبولیت و کارآمدی) بوده و فرایند حل بحران مشروعیت را از طرق چهارگانه (حقانیت، قانونیت، مقبولیت و کارآمدی) دنبال کرده است که از این نظر، پژوهش جدیدی محسوب می‌شود. چارچوب نظری این پژوهش، نظریه بحران‌های سیاسی است که از طریق فهم و استنباط از متون و اسناد معتبر علمی با روش کیفی از نوع تفسیری دنبال کرده است، یافته‌های این پژوهش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را در حل بحران مشروعیت به‌ویژه در زیربناهای آماده‌شده (حقانیت و قانونیت) و ترمیم روبناهای آن (مقبولیت و کارآمدی) در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد و فرایند حل آنها را از طریق ستون‌های چهارگانه (حقانیت، قانونیت، مقبولیت و کارآمدی) برای تأمین راه‌های مشروعیت بررسی کرده است.

**واژگان کلیدی:** بحران مشروعیت، کارآمدی و نظام جمهوری اسلامی.

عضو هیات علمی گروه معارف، دانشگاه پیام نور.  
 نویسنده مسئول). [ba\\_pnu@yahoo.com](mailto:ba_pnu@yahoo.com)

۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی سرآغاز فصل نوینی از حکومت‌داری مردمی بر اساس دین است که در آن مسئله تأمین مشروعیت و غلبه بر بحران‌های آن به توجه اساسی به زیربناها و روبناهای مشروعیت بستگی زیادی دارد چراکه بحران مشروعیت<sup>۱</sup> مهم‌ترین بحران در مجموعه شش‌گانه بحران‌های سیاسی است. در اهمیت و ضرورت حل بحران مشروعیت باید گفت که هر یک از بحران‌های سیاسی دیگر می‌تواند به بحران مشروعیت منجر شود و بالعکس حل بحران مشروعیت می‌تواند از وقوع دیگر بحران‌ها جلوگیری نماید، مسئله «مشروعیت»<sup>۲</sup> با سایر بحران‌ها در ارتباطی تنگاتنگ قرار دارد، چراکه حل هر یک از آن‌ها به‌نوبه خود به شکل‌گیری حکومت کمک می‌کند. به خاطر اینکه تمامی حکومت‌ها و دولت‌ها با سؤالاتی راجع به مشروعیت و اقتدار خود روبه‌رو هستند، ضروری است که حدود تعریف خود را از بحران مشروعیت مشخص کنیم، در اینجا منظور از بحران مشروعیت، فروپاشی مبانی قانونی حکومت است. درعین‌حال لازم به ذکر است که وقتی نظامی از مشروعیت و اقتدار برخوردار هست، ممکن است بتواند از وقوع دیگر بحران‌ها جلوگیری نماید. بدین ترتیب حل قاطع بحران مشروعیت در یک جامعه می‌تواند دست‌کم برای مدتی، از وقوع دیگر بحران‌ها جلوگیری نماید. (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰۷-۲۰۶) آنچه که مدنظر این پژوهش هست، با این سؤال بحث را دنبال می‌کند که کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حل بحران مشروعیت چیست؟ با این فرضیه که در طول چهل سال گذشته جمهوری اسلامی ایران با توجه به منظومه سه‌گانه کارآمدی یعنی اهداف، امکانات و موانع، در حل بحران مشروعیت با توفیقات زیادی مواجه بوده است که کارآمدی آن را در حل بحران مشروعیت نشان می‌دهد. در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که در رابطه با بحران مشروعیت منابع زیادی کارشده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. بایندر و همکارانش (۱۳۸۰) در کتاب بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی که توسط دکتر غلامرضا خواجه سروی ترجمه‌شده، برای بررسی بحران‌های سیاسی شش‌گانه، مباحث اساسی و بنیان بحث را در این زمینه دنبال می‌کند، این کتاب مهم‌ترین اثر

1. legitimacy crisis  
2. legitimacy

برای بررسی بحران‌های سیاسی هست و پایه مباحث نظری مقاله هست. تحقیق دیگر مربوط به لاریجانی محمدجواد (۱۳۷۴) در کتاب حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی می‌باشد، وی تلاش می‌کند تا ساختاری معقول از موضوع حکمرانی را بیان نماید. مجید قلاچی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه بررسی بحران‌های پنج‌گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه رازی به این نتیجه رسیده که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه توسعه سیاسی در این پنج حوزه (هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع) با چالش‌هایی مواجه است که در صورت عدم تشخیص صحیح، واکنش درست و اقدامی به‌موقع، می‌تواند روند توسعه سیاسی را مخدوش نموده و یا آن را کند و متوقف کند. در پژوهش دیگر، حامد فلاحی اصل (۱۳۹۶) در پایان‌نامه صورت‌بندی نظریات مشروعیت از جمهوری اسلامی ایران، معتقد است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو منبع مشروعیت را برای حکومت به رسمیت شناخته است: مشروعیت الهی و مشروعیت مردمی. این دوگانگی منبع مشروعیت، علت عدم اجماع در خصوص منبع مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی است. همچنین فرهاد کرامت (۱۳۹۰) در پایان‌نامه مبانی مشروعیت مردم‌سالاری دینی: مورد جمهوری اسلامی ایران (از منظر جامعه‌شناسی سیاسی) این بحث را دنبال می‌کند که چگونه دولت‌ها برای خود مشروعیت سازی می‌کنند و علی‌ملکی (۱۳۹۷) در مقاله؛ مبانی مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تعدد تفسیرهای چالش‌ها و راهکارها، بر این باور است که تعدد منابع مشروعیت، به تعدد تفسیرها از مبانی مشروعیت انجامیده است و علت اصلی بروز بحران مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران هست. روش‌شناسی این پژوهش، کیفی از نوع تفسیری است و در این شیوه، سعی بر این بوده که فرایند پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها بر اساس استخراج و دسته‌بندی اطلاعات، متناسب با روش کیفی صورت گیرد و تلاش بر این بوده که درستی و انسجام یافته‌ها و نتیجه‌گیری مبتنی بر سؤال، فرضیه و اهداف در فرایند پژوهش رعایت شود.

#### ۱- تعریف مفاهیم

##### ۱-۱ کارآمدی

کارآمدی از نظر لغوی به «مفید بودن، خدمت کردن، به کار آمدن، درخور بودن» (دهخدا،

(۱۳۷۷) و در زبان انگلیسی معادل واژه "Effectiveness" است و در اصطلاح کارآمدی «Efficiency» عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع (فتحعلی، ۱۳۸۹: ۱۶۳) و می‌توان به‌عنوان سازوکارهایی تعریف کرد که یک حکومت را، صرف‌نظر از ملاک مشروعیتش، قادر به انجام مقاصد و اهدافش می‌کند (لاریجانی، ۱۳۷۲: ۶۳). تعریفی که مدنظر این مقاله هست، کارآمدی را موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع در نظر می‌گیرد و ماهیت و اهداف از یک طرف و امکانات و موانع خارجی هم در ارزیابی کارآمدی مؤثر می‌داند.

#### ۲-۱ مشروعیت

اندیشه سیاسی سؤالات بسیار جدی در خصوص ماهیت، مشروعیت، نحوه و حدود حکومت دارد و در این میان مشروعیت در مرکز سیاست واقع شده (Coicaud, ۲۰۰۲: ۱) {این مفهوم} در معنای امروزی خود، نخستین بار در سده‌های میانه با پیدایی مفهوم کشور - دولت متولد شد و تحلیل‌های نظام‌مند درباره آن، با شکل‌گیری عصر مدرن آغاز گردید. اگرچه تا پیش‌از این دوران، در عصر باستان مفاهیمی همچون «بر حق بودن» وجود داشت، اما این مفهوم صرفاً به قانونی بودن اشاره می‌نمود. (Jaiianping, ۲۰۱۵: ۴۶۰). در خصوص ریشه‌ها و منشأ مشروعیت در نظام‌های سیاسی باید گفت که این ارزش‌ها و اعتقادات یک جامعه است که در وهله اول مشخص می‌کند حکومت کردن از آنچه کسی است و چه اعتقاداتی در این رابطه ساری و جاری هست (ملکی، ۱۳۹۷: ص ۸۰). و در این معنا مشروعیت عبارت از این است که مردم حکومت را باور کنند. (کاشی، ۱۳۷۹: ۵۳) از نگاهی این مفهوم به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است (عالم، ۱۳۸۷: ۱۰۵) و هنگامی که واژه مشروعیت به قانونی بودن معنا شود، حکومتی بر حق و مشروع است که بر مبنای قانون تکوین یابد و عمل نماید. (هیوود، ۱۳۸۹: ۳۰۵). گفته می‌شود «قانونیت»، صفت آن شکل از سلطه هست که از هنجارهای قانونی برمی‌خیزد، نه از خود مردم. بنابراین برخی معتقدند، سفسطه‌های مدرن در باب یکسانی قانونی بودن و مشروعیت، به‌واسطه یکسان‌نگاری دموکراسی و حکومت نمایندگی، پذیرفتنی نیست (Amariles, ۲۰۰۸: ۶) مشروعیت در این پژوهش به توجیه عقلانی اطاعت مردم و

اعمال قدرت حاکمان برمی‌گردد؛ چنین مشروعیتی توجیه‌کننده اطاعت‌پذیری مردم از حکومت بوده و گویای شیوه توجیه‌پذیری نظام سیاسی هست. مفهوم مشروعیت عمدتاً ناظر به جنبه‌هایی از قانونی بودن یک رژیم، نمایندگان آن، حوزه‌های فعالیت، دستورها یا فرامین و احکام صادره از جانب آنان است. (نوذری، ۱۳۸۴). {یعنی} در لحظه‌ای که قدرت اعمال می‌شود درست در همان زمان سؤال از مجوز آن مطرح می‌گردد و این در واقع سؤال از مشروعیت است. به عبارت دیگر: حقیقت حکومت در اعمال قدرت و یا عمل حکمرانی ظاهر می‌گردد و در همین نقطه مسئله مشروعیت حکومت مطرح می‌گردد (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۱۰-۹).

### ۳-۱ بحران مشروعیت

بحران مشروعیت "legitimacy crisis" به شکل خاصی به فشارهای موجود بین برابری و ظرفیت در نشانگان توسعه ارتباط دارد. (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰۶) این بحث ابتدا از سوی اندیشمندان کلاسیک توسعه (مانند بایندر و پای) بیان شد. آن‌ها معتقد بودند که کشورها در مسیر توسعه از شش بحران شامل بحران‌های مشروعیت، هویت، مشارکت، رسوخ‌پذیری (نفوذ)، توزیع و ادغام اجتماعی عبور می‌کنند. بحران مشروعیت از اشکال در قبولاندن مراجع و مسئولیت‌های یک مرکز حکومت واحد ناشی می‌شود (بدیع، ۱۳۷۶: ۶۳). در واقع از علل بحران مشروعیت، معضل دستیابی به توافق بر سر مشروعیت اقتدار و مسئولیت‌های مناصب حکومت است به صورتی که یک نظام سیاسی نتواند مسئولیت‌ها و نهادهای خود را به مردم بقبولاند (سیف زاده، ۱۳۷۵: ۱۷۱). نقطه نظر دیگر در خصوص بحران مشروعیت این هست که اولاً: مردم باورها، اهداف و رفتارهای یک نظام سیاسی را درست و قابل قبول نمی‌پندارند. در این صورت یا نظام باورها و رفتارها و هدف‌گذاری‌ها ناسازگار و بی‌سامان است و یا اینکه با اعتقادات بالفعل مردم سازگار نیفتاده است. دوم: مردم اعتباری برای نظام سیاسی قائل نیستند؛ بنابراین باورها، اهداف و رفتارهای او را جدی نمی‌گیرند. در این صورت میان نام باورها و حوزه عملکردهای واقعی نظام سیاسی شکافی عمیق وجود دارد. (کاشی، ۱۳۷۹: ۵۳-۵۴) آنچه که ما در این مقاله بحث بحران مشروعیت را دنبال می‌کنیم ویژگی حکومتی هست که در آن، مردم به حکومت اعتقاد و

اعتمادی ندارد و حکومت که به مردم اعتقاد و اعتمادی نداشته باشد، در بیماری بحران مشروعیت به سر می‌برد هرچند به حیات خود ادامه می‌دهد.

## ۲- جمهوری اسلامی ایران و فرایند حل بحران مشروعیت

یکی از مهم‌ترین راه‌های استقرار و استمرار نظام‌های سیاسی در جهان، داشتن مشروعیت است و نظام جمهوری اسلامی ایران هم برای استقرار و استمرار خود به تقویت پایه‌های اساسی خود برای کسب مشروعیت نیاز دارد، در این زمینه جمهوری اسلامی ایران یک کار پیش‌دستانه‌ای که انجام داده که دچار بحران مشروعیت نشود با این توضیح که جمهوری اسلامی ایران در فرایند حل بحران مشروعیت در قسمت زیربناها، مسئله بومی‌سازی مشروعیت را چه در تعریف و چه در تفصیل دنبال کرده و در قسمت روبناها از طریق ایجاد سنت پایدار برگزاری دقیق و به‌موقع انتخابات و بسیج اجتماعی مردم در مناسبت‌های مختلف مثل ۲۲ بهمن، روز قدس، ۱۳ آبان و ۹ دی و یادواره‌ها و جشنواره‌های مختلف تعریف و سنتی جدید از مفهوم و برپائی مشارکت سیاسی را پایه‌گذاری کرده است که در ترمیم، تحکیم و تثبیت مسئله مهم مشروعیت، یک کار کاملاً پیش‌دستانه محسوب می‌شود با این مسئله که بحث مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران و راه‌های تأمین آن متفاوت از سایر نظام‌های سیاسی موجود در جهان بوده و به همین جهت برای توضیح بحران مشروعیت و راه‌های غلبه بر آن در این مقاله، مشروعیت را به دو قسمت زیربنا و روبنا تقسیم می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در قسمت زیربنا با ارکان سه‌گانه (اسلامیت، ولایت‌فقیه و جمهوریت) حقانیت و قانونیت خود را تثبیت کرده است و ساختاری کاملاً مشروع دارد، در تشریح زیربناها و روبناهای مشروعیت در نظام جمهوری اسلامی ایران، سه مسئله مهم راجع به نظام سیاسی حاکم بر جامعه ایران وجود دارد که در تبیین مشروعیت آن و فرایند حل بحران‌های سیاسی آن‌ها را باید در نظر گرفت و مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام هست و عبارت‌اند از:

اول: ماهیت حکومت که اسلامی هست و می‌توان با تکیه بر عقلانیت اسلامی بنایی مستحکمی روی آن ساخت.

دوم: نظریه حکومت که ولایت‌فقیه هست و حکومت فرد اعلم، عدل، اشجع، افضل،

اصلح، ادبر و ابصر را مطرح می‌نماید.

سوم: شیوه اداره حکومت که جمهوری است و مردم در حکومت‌داری نقش دارند هم در ایجاد حکومت و هم در ادامه حکومت.

ساختار سیاسی ترسیم‌شده در قانون اساسی اصولاً ساختاری است که در پی اجرای اصول و قواعد مذهبی مورد اعتقاد مردم است و هدف اصلی آن رشد معنوی و هدایت انسان به سوی آمال ترسیم‌شده از طرف اسلام است به همین جهت در اصل دوم قانون اساسی که در آن مبانی نظام جمهوری اسلامی ترسیم می‌شود حاکمیت و تشریح فقط به خدا اختصاص یافته است که انسان‌ها باید در برابر او تسلیم شوند این مسئله به معنی نفی نقش انسان در قانون‌گذاری مستقل از دیدگاه اسلام نبوده و حاکمیت انسان بر انسان را نیز به کلی نفی نمی‌کند بلکه لزوم تسلیم انسان‌ها را در برابر امر خداوندی بیان می‌دارد در واقع این مسئله تفاوت اصلی جهان‌بینی و حکومت اسلامی با اصل قرارداد اجتماعی است که در آن اصولاً انسان‌ها باهم قرارداد می‌بندند تا برای حفظ نظم و امنیت خود حکومتی را تشکیل دهند و حدود اختیارات آن حکومت نیز در چارچوبی است که خود انسان‌ها آن را ترسیم می‌کنند، در حالی که بر اساس اصل دوم قانون اساسی وظیفه انسان‌ها تسلیم در برابر امر خداوندی است و حاکمیت اختصاص به او دارد و انسان‌ها حق تشریح و قانون‌گذاری ندارند چنین نگرشی به منبع حاکمیت و منشأ مشروعیت قدرت سیاسی به معنای رد مبانی لیبرالیسم سیاسی و توسعه سیاسی حاصل از آن است.

در جمهوری اسلامی حفظ چارچوب اصول و قواعد اسلامی و حاکمیت آن بر قوانین عرفی یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی و کنترل‌کننده رأی اکثریت است چراکه اصل چهارم قانون اساسی می‌گوید کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

بر اساس این اصل از آنجاکه حاکمیت به خداوند اختصاص دارد و انسان‌ها باید در برابر امر او تسلیم شوند؛ لذا انسان‌ها نمی‌توانند تصمیمی را اتخاذ کنند که با اوامر و مقررات الهی مخالف باشد هرچند که چنین تصمیمی با اکثریت قاطع آن‌ها یا نمایندگان آن‌ها



اتخاذ شود؛ بنابراین نهادی به نام شورای نگهبان تشکیل می‌شود که مانع نقض حاکمیت الهی از سوی مصوبات و مقررات عرفی گردد. این اصل یکی از مشخصه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و تفاوت آن را با سایر نظام‌های سیاسی به‌خصوص دموکراسی‌های مبتنی بر قرارداد اجتماعی روشن می‌کند بر این اساس هیچ قاعده‌ای نمی‌تواند برخلاف قوانین اسلامی به تصویب برسد و فقهای شورای نگهبان حق وتوی چنین مصوباتی را دارند.

بر اساس اصل پنجم قانون اساسی نیز «در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است». به عبارت دیگر در عصر غیبت که طبق اعتقاد تشیع امام معصوم جانشین پیامبر حضور ندارد، فقهای عادل جانشین امام معصوم هستند و حق حکومت کردن بر عهده آن‌هاست، یعنی حکومت فقیه عادل مشروعیت خود را از جانب امام معصوم می‌گیرد، ولی تحقق و عملی شدن آن مشروط به پذیرش مردمی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی این پذیرش از طریق نمایندگان خبرگان ملت - بر اساس اصل یکصد و هفتم - عملی می‌شود.

اصل پنجاه و هفتم چنین بیان می‌کند: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند و این قوا مستقل از یکدیگرند». به عبارت دیگر هر سه قوه حاکم در جمهوری اسلامی زیر نظر ولایت مطلقه امر قرار داشته و به نوعی ابزارهایی در دست ولی فقیه جهت تصویب و اجرای مقررات و قواعد لازم برای اداره کشور - که عدم مغایرت آن‌ها با اسلام به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد - به شمار می‌روند این قوا هرچند از یکدیگر مستقل هستند؛ اما نسبت به ولی فقیه مستقل نیستند، بلکه در قبال او مسئولیت دارند و زیر نظر او به اعمال اختیارات قانونی خود می‌پردازند. به این ترتیب از آنجاکه حق حاکمیت مختص خداست و خدا این حق را به پیامبر و جانشینان او تفویض کرده است و لذا هیچ‌کس غیر از پیامبر و جانشینان او از حق حکومت برخوردار نیستند و از این رو این حکم مشروعیت یافته فقیه به‌عنوان جانشین پیامبر و امام معصوم قابل واگذاری به دیگران بدون اجازه او نیست به همین دلیل تمام

قوای حاکم در جمهوری اسلامی زیر نظر او قرار می‌گیرند و به‌عبارت‌دیگر از مشروعیت اعمال حاکمیت با اجازه او و زیر نظارت او برخوردار می‌شوند؛ بنابراین تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته‌نشده است چراکه علی‌الاصول بیش از یک قوه حاکم در این نظام سیاسی وجود ندارد و آن‌هم قوه «ولایت مطلقه امر و امامت امت» است و هر قدرتی با اجازه و نظارت آن مشروعیت می‌یابد. البته با بررسی اصول دیگر قانون اساسی، به‌خصوص اصل اول و ششم ظاهر امر به نظر می‌رسد که قانون اساسی ضمن اینکه خاستگاه حاکمیت سیاسی را بر اساس دین و مذهب اسلامی شیعی می‌داند، خاستگاه دیگری را نیز در کنار آن به رسمیت می‌شناسد و آن عبارت است از خاستگاه مردمی و حق حاکمیت ملی؛ زیرا در اصل اول بیان می‌کند: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروز خود... با اکثریت ۹۸/۲ درصد کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد.» و در اصل ششم نیز ابزار می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد؛ اما همان‌گونه که در تحلیل اصل پنجاه و ششم نیز ذکر شد، این وجه از خاستگاه حاکمیت سیاسی در طول وجه دیگر آن؛ یعنی ابتدای نظام جمهوری اسلامی بر پایه اسلام شیعی، قرار دارد و مستقل از آن نیست؛ چراکه در اصول مختلف قانون اساسی وجه حاکمیت ملی تخصیص می‌خورد و منوط به رعایت موازین اسلامی می‌شود، درحالی‌که اصول مرتبط با خاستگاه دینی همواره به شکل مطلق بیان‌شده و بر سایر اصول و قوانین حاکمیت می‌یابد. (خرمشاد، ۱۳۸۵)

هرچند برخی دیدگاه‌ها معتقدند؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مستعد دو تفسیر ناسازگار با یکدیگر است و {و حتی آن‌ها هم معتقدند} پذیرش تمایز میان این دو مرجع - مردم و شریعت - در بستری کلی از حاکمیت الهی، می‌تواند مقومات طراحی مدلی پیوندی را فراهم آورد تا در پرتو آن بتوان مشروعیت توأمان مردمی و شرعی را فراهم ساخت. (کاشی و کرمی، ۱۳۹۴) بنابراین به نظر می‌رسد قانون اساسی جمهوری اسلامی از یک خاستگاه واحد برخوردار است و هر خاستگاه دیگری صرفاً در چارچوب همان

خاستگاه اصلی قابل تبیین هست. در همین راستا، مسئله تنفیذ حکم ریاست جمهوری قابل تحلیل است که هرچند انتخاب مستقیماً از سوی ملت انجام می‌گیرد، ولی بر اساس اصل یک‌صد و دهم باید حکم ریاست جمهوری وی از سوی مقام رهبری تنفیذ گردد و نیز بر اساس اصول ۹۶ و ۹۹ انتخابات مجلس امر قانون‌گذاری تحت نظارت شورای نگهبان قرار می‌گیرد و به این وسیله حاکمیت ملی در ذیل خاستگاه دینی و شرعی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد و به‌وسیله آن مقید می‌شود. همچنین باینکه فصل سوم قانون اساسی، حقوق سیاسی و مدنی و آزادی‌های بسیاری به مردم اعطا می‌کند، این آزادی‌ها نمی‌تواند سبب نقض قوانین الهی یا دستورات دینی شود مثلاً احزاب سیاسی می‌توانند آزادانه فعالیت کنند؛ به شرطی که فعالیت آنان معیارهای اسلامی یا بنیان نظام جمهوری اسلامی را نقض نکند بر این اساس حقوق و اقتدار مردم، نظیر حق رأی همگانی، زمانی که به مخالفت با اعتقادات اسلامی برخیزند، به پایان می‌رسد و ممکن است این حقوق با مداخله ولی‌فقیه و شورای نگهبان اصلاح یا محدود شود. از این رو آن را اقتدار محدود مردمی نامیده‌اند. به این ترتیب اقتدار مردمی حاکمیت سیاسی، در طول اقتدار دینی آن قرار می‌گیرد و از سوی اقتدار دینی محدود و مشروط می‌شود؛ زیرا خاستگاه حاکمیت سیاسی و مشروعیت قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از یک منشأ واحد سرچشمه می‌گیرد. (خرمشاد، ۱۳۸۵) و جمهوری اسلامی یک مفهوم واحد است و جمهوریت آن هم اسلامی هست و از آیه *وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا* معنا می‌شود و همان‌طور که در مقدمه قانون اساسی ذکر شده، مردم جمع شدند و به خود سازمان دادند تا راهی به سوی الله بگشایند. بحث ما در خصوص بحران مشروعیت از اینجا یعنی روبنای مشروعیت آغاز می‌شود، و مسئله مهم این هست که ساختار سیاسی مشروع، هدایت و مدیریت جامعه را بر عهده دارد و باید کارآمد باشد؛ اما ناکارآمدی دولت‌ها عامل بنیادی در تضعیف روبناهای مشروعیت در درجه اول بشمار می‌آید، اینکه جمهوری اسلامی ایران برای تأمین مشروعیت به چه راه‌های متوسل شده، در زیر به راه‌های تأمین مشروعیت در جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

### ۳- جمهوری اسلامی ایران و راه‌های تأمین مشروعیت

پایه‌گذاران قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی کوشیده‌اند تا منابع، عناصر و مؤلفه‌های مشروعیت را در قانون اساسی جای دهند و در این راستا برای تأمین مشروعیت نظام جمهوری اسلامی از زوایای مختلف بررسی کرده و راه‌های تأمین مشروعیت و حل بحران مذکور را به شکل زیر موردتوجه قرار داده‌اند:

#### ۳-۱- تأمین مشروعیت بر اساس حقانیت<sup>۱</sup>

مشروعیت در اسلام دارای ابعاد مختلفی است که زیربنایی‌ترین بعد آن حقانیت است و در اسلام حق را خداوند معلوم کرده است. در جامعه دینی این منبع نسبت به منابع دیگر مشروعیت، برجستگی خاصی دارد و مشروعیت قدرت سیاسی الهی تعریف می‌شود. در قانون اساسی اصول متنوعی را می‌توان پیدا کرد که به این مؤلفه اشاره داشته است. در واقع بر اساس اصل دوم قانون اساسی، اصول اعتقادی دین اسلام و مذهب تشیع که در عنصر حقانیت جای دارد، گنجانده شده است که از منابع اصلی و عنصر مرکزی مشروعیت در جمهوری اسلامی است. تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر پایه اعتقادات دیرینه مردم صورت گرفته، ادامه حیات آن نیز با همان مبانی اعتقادی میسر خواهد بود. در اصل چهارم در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسلام به‌عنوان یک دین رسمی بر اداره امور کشور احاطه کامل دارد و کلیه قوانین و مقررات بایستی بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل قانون اساسی، تکلیف همه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها را از نظر ضرورت عدم مغایرت با موازین اسلامی به‌صراحت روشن کرده است. اصل مذکور نه تنها بر پیوند دین با امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جز آن‌ها صحه می‌گذارد، بلکه رابطه میان دین و ساحت‌های مختلف زندگی انسان را رابطه‌ای سلسله‌مراتبی و عمودی می‌داند. در اصل پنجم با توجه به این عنصر آمده است: «در زمان غیبت، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوای آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است» و بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران، یک نظام سیاسی حقیقتاً منحصر به فرد را بر اساس حاکمیت فقهی توانا ایجاد کرده است (کرامت، علی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۰).

1. Rightfulness

### ۲-۲- تأمین مشروعیت بر اساس قانونیت<sup>۱</sup>

این مؤلفه نشان می‌دهد که واگذاری قدرت به شخص یا گروه بر اساس قانون صورت پذیرفته و اعمال سلطه آن‌ها بر مبنای قانون استوار است. قانون چگونگی تصدی حاکمان و نحوه عمل آنان را معین می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی علاوه بر ساختاربندی نظام سیاسی، به محدودیت‌هایی که قدرت در اعمال و رفتار خود باید آن‌ها را رعایت کند نیز اشاره شده است. در اصل بیست و دوم آمده است: هیچ فرد یا حکومتی حق حکمرانی بی‌قیدوشرط را ندارد و حکومت‌ها باید بر اساس قوانین مدون به حکمرانی بپردازند. اگر دولتی این مسئله را رعایت نکند و مکرراً ناقض قانون انگاشته شود، مؤلفه قانونیت که اعمال حاکمیت باید بر اساس آن باشد را به‌مرور از دست خواهد داد و اگر دولت‌ها پایبندی به قوانین تنظیم‌شده در رابطه با تنظیم امور مردم و جامعه را از دست بدهند، مؤلفه قانونیت، که از عناصر مشروعیت است را از دست خواهند داد، ولی با همه این‌ها، دوباره باید تأکید کرد که هم‌نوایی با قواعد تدوین‌شده شرط لازم مشروعیت هست، ولی شرط کافی نیست.

### ۳-۲- تأمین مشروعیت بر اساس مقبولیت<sup>۲</sup>

پس از تأسیس و استقرار نظام حکومتی، حکومت باید به تداوم حاکمیت خود توجه نماید که مؤلفه مقبولیت این مهم را تأمین می‌کند. حکومت‌هایی که سنگ بنای ظهور و تکوین خود را غلبه و استیلا قرار داده‌اند، در ادامه حیات خود، با مشکل پذیرش از سوی مردم تحت حکومت خود مواجه می‌شوند. اگر بخواهیم مقبولیت را موردبررسی قرار دهیم، باید به شاخص‌هایی چون، مشارکت، رضایت، خواست مردم در مراحل تداوم نظام و مراحل بعدازآن نظر داشته باشیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درعین حال که نظام حکومت را مبتنی بر مبانی دینی بیان کرده، بر نقش مردم در ایجاد و ادامه حکومت و ارزش‌گذاری رأی مردم در اداره امور مملکت نیز تصریح و تأکید کرده است. در مقدمه قانون اساسی آورده شده است که: «قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی هست و در خط گسستن از سیستم

1. Lawfulness  
2. acceptance

استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند». در اصل اول به این مؤلفه از مشروعیت برمی‌خوریم که بیان می‌دارد: «حکومت جمهوری اسلامی بارأی مثبت ملت ایران پایه‌گذاری شده است». در اصل ششم قانون اساسی نحوه این دخالت مردم در سرنوشت خویش مطرح گردیده است که انتخابات در موارد مختلف هست. این مؤلفه به قدری اهمیت دارد که در اصل ۱۷۷، محتوای اصل «اداره امور کشور با اتکای به آراء عمومی» تغییرناپذیر قلمداد شده است.

### ۳-۴- تأمین مشروعیت بر اساس کارآمدی<sup>۱</sup>

عنصر دیگری که به بقاء نظام‌های سیاسی کمک فراوان می‌کند، کارآمدی هست که از آن تعبیر به مشروعیت ثانویه هم می‌شود و حتی نظام‌های غیر مشروع هم از عنصر کارآمدی برای توجیه مشروعیت به آن استناد می‌کنند، به همین جهت از دیرباز توجیه مشروعیت هر نظام سیاسی در سایه کارآمدی آن، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران نظام‌های سیاسی و حکومتی بوده است. اهمیت این بحث در این است که کارآمدی ارتباط مستقیم با مقبولیت و رضایت فرمان‌برداران و به تبع آن بر مشروعیت نظام حکومتی دارد. خبرگان قانون اساسی نیز معتقد بودند که نظام اسلامی باید یک حکومت کارآمد باشد تا الگویی برای دیگر کشورها شود و در همین رابطه در اصول مختلف قانون اساسی شاخصه‌هایی برای کارآمدی مطرح گردید و اهدافی را برای دولت در همین رابطه ترسیم شده است. (کرامت، علی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۸-۱۰).

### ۴- کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در حل بحران مشروعیت

نظام جمهوری اسلامی ایران در تشکیل نظام سیاسی مشروع به تمام ارکان و راه‌های تقویت مشروعیت اهمیت داده، ولی دو ستون اساسی مشروعیت را که اولی به ماهیت نظام جمهوری اسلامی اشاره دارد و از آن تعبیر به حقانیت و توجیه عقلی حکومت در اسلام تعبیر می‌شود، پرداخته و عنصر حقانیت را به شکل قانونی از طریق خواست و مشارکت مردم مدون نموده و توجیه قانونی مشروعیت، اعمال قانونی آن در تمام مناسبات حکمرانی است و در واقع اعتبار مشروعیت در اسلام به حقانیت و تدوین آن در شکل

1. Efficiency

قانون می‌باشد که در جمهوری اسلامی ایران محکم در قانون اساسی و مختصات سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی جامعه ریشه داشته و انقلاب اسلامی سال ۵۷ مهر تأییدی بر آن است و تا به امروز هم در عبور از آفت‌های داخلی و موانع خارجی پیش روی نظام جمهوری اسلامی نقش استحکام‌بخش در مشروعیت جمهوری اسلامی ایران داشته است؛ اما اعتبار اجتماعی یک نظام سیاسی به مقبولیت و کارآمدی آن بستگی دارد که مربوط به روبناهای مشروعیت هست که شامل دو عنصر مقبولیت و کارآمدیست، عنصر مقبولیت و کارآمدی به‌عنوان دو راه دیگر تأمین‌کننده مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در حل بحران مشروعیت می‌تواند نقش تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده مشروعیت را ایفا نماید و این دو عنصر اعتبار اجتماعی حکومت را می‌توانند تأمین کنند و هم می‌توانند به خطر بیندازند. این دو عنصر اتفاقی و بدون زحمت به دست نمی‌آید و مکمل هم هستند و مقبولیت به کارآمدی کمک می‌کند و کارآمدی، مقبولیت می‌آورد؛ بنابراین با توجه به وضعیتی که در فرضیه این مقاله در نگاه به عناصر کارآمدی و وجود موانع بسیار زیاد خارجی در کارآمدی جمهوری اسلامی، مشروعیت در روبناهای آن با بحران و خطر روبه‌رو است، کارآمدی دارای لوازمیست که در هر نظام سیاسی جدا از اعتبار حقانی و زمینه‌های اجتماعی باید رعایت شود و در نظام جمهوری اسلامی ایران بی‌توجهی به عواملی چون خبرگی، شایسته‌سالاری و واقع‌بینی و سایر عوامل روبناهای مشروعیت را تضعیف و شکننده می‌نماید. یک ملاحظه تاریخی - جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که اگر حکومت مشروع باشد ولی کارآمد نباشد، به تدریج مردم در مشروعیت حکومت دچار تردید می‌شوند و درحالی‌که اگر حکومت نامشروع باشد، ولی کارآمد، به تدریج می‌تواند رضایت، مقبولیت و حمایت مردم را جلب کند و مشروعیت را ترمیم نماید. به همین جهت در فرایند حل بحران مشروعیت توجه به روبناهای مشروعیت هم می‌تواند از بحران مشروعیت جلوگیری نماید و هم می‌تواند باعث تحکیم مشروعیت حکومت شود.

جمهوری اسلامی ایران در حل بحران مشروعیت اقدامات پایدار و تلاش‌های آشکار زیادی را انجام داده است که بارزترین آن مانند پای انتخابات و ایجاد سنت‌های دموکراتیک در مشروعیت بخشی به نظام سیاسی هست و نمود آشکار آن برگزاری ۳۹

دور انتخابات (در شکل زیر به صورت جدول آورده شده است) در طول چهار دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی ایران است که قدمی بزرگ در برپایی مشروعیت و تقویت روبناهای آن، یعنی مقبولیت و کارآمدی می‌باشد و از طرف دیگر بعد مردمی بودن مشروعیت را هم تقویت می‌کند. جمهوری بودن ساختار نظام و انتخابی بودن مناصب و مقامات تقنینی و اجرایی از جمله شاخصه‌های مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی ایران است که بستر مناسبی را برای حضور گسترده شهروندان، گروه‌ها و احزاب در جهت تعیین سرنوشت سیاسی از طریق انتخابات فراهم نموده است. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از احکام اسلام است بر مسئله مشارکت مردم و سهیم کردن آنان در اداره جامعه و صاحب حق بودن آنان، تأکید شده است. اصل ششم قانون اساسی، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را متکی به رأی مردم دانسته و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی مردم در تعیین نوع حکومت، قانون اساسی، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و در بعضی موارد، همه‌پرسی از طریق مراجعه به آرای عمومی نقش اساسی داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بر اساس سابقه و سنت‌های اجتماعی، جامعه ایران نیز یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای شرکت مردم در سرنوشت خویش را در برگزاری انتخابات در نظر گرفت؛ و تجربه عملی نظام جمهوری اسلامی نشان‌دهنده این هست که در طی بیش از چهار دهه، نظام جمهوری اسلامی ایران به‌طور میانگین هر سال یک انتخابات در کشور برگزار شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۳۷۷، انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری از طریق آرای عمومی انتخاب می‌شدند و از آن سال به بعد انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز به جمع انواع انتخابات کشورمان افزوده شد. ضمن آنکه به موارد مراجعه به آرای عمومی در طی بیش از چهار دهه، فراندوم انتخابات نظام سیاسی در فروردین ۱۳۵۸، انتخابات اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی و فراندوم بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ را نیز باید اضافه کرد. بدین ترتیب می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در زمینه، تعدد مراجعه به آرای عمومی در بالاترین سطوح کشورهای جهان قرار می‌گیرد. مسئله مهم بعدی افزایش تجربه نیروهای سیاسی است که در طول تجربه حکومت‌داری به



روش دموکراتیک حاصل می‌شود و آن پختگی سیاسی نیروهای درگیر در داخل حاکمیت می‌باشد. یکی دیگر از تلاش‌های نظام سیاسی در مشروعیت بخشیدن به ساختارهای خود متناسب با نظم هنجاری و فرهنگی خود بومی کردن مشروعیت و بیان آن در عبارت مردم‌سالاری دینی می‌باشد که توسط مقام معظم رهبری طرح و بعد در محافل علمی دنبال شد.

### انتخابات برگزار شده در طول چهار دهه از زمان تأسیس نظام جمهوری اسلامی

ردیف	انتخابات	تاریخ برگزاری	تعداد شرکت کننده	درصد
۱	همه پرسی جمهوری اسلامی	۵۸/۰۱/۱۰-۱۱	۲۰,۴۴۰,۱۰۸	۹۸/۰۰٪
۲	خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی	۵۸/۰۵/۱۲	۱۰,۷۸۴,۹۳۲	۵۱/۷۱٪
۳	همه پرسی تأیید قانون اساسی	۵۸/۰۹/۱۲-۱۱	۱۵,۶۹۰,۱۴۲	۷۵/۲۳٪
۴	اولین دوره ریاست جمهوری	۵۸/۱۱/۰۵	۱۴,۱۵۲,۹۰۷	۶۷/۴۱٪
۵	اولین دوره مجلس شورای اسلامی	۵۸/۱۲/۲۴	۱۰,۸۷۵,۹۶۹	۵۲/۱۴٪
۶	دومین دوره ریاست جمهوری	۶۰/۰۵/۰۲	۱۴,۵۷۲,۴۹۳	۶۴/۲۳٪
۷	سومین دوره ریاست جمهوری	۶۰/۰۷/۱۰	۱۶,۸۴۷,۷۱۵	۷۴/۲۶٪
۸	اولین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۶۱/۰۹/۱۹	۱۸,۰۱۳,۰۶۱	۷۷/۳۸٪
۹	دومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۳/۰۱/۲۶	۱۵,۶۰۷,۳۰۶	۶۴/۶۴٪
۱۰	چهارمین دوره ریاست جمهوری	۶۴/۰۵/۲۵	۱۴,۲۳۸,۵۸۷	۵۴/۷۸٪
۱۱	سومین دوره مجلس شورای اسلامی	۶۷/۰۱/۱۹	۱۶,۷۱۴,۲۸۱	۵۹/۷۲٪
۱۲	پنجمین دوره ریاست جمهوری	۶۸/۰۵/۰۶	۱۶,۴۵۲,۵۶۲	۵۴/۵۹٪
۱۳	همه پرسی بازنگری قانون اساسی	۶۸/۰۵/۰۶	۱۶,۴۲۸,۹۷۶	۵۴/۵۱٪
۱۴	دومین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۶۹/۰۷/۱۶	۱۱,۶۰۲,۶۱۳	۳۷/۰۹٪
۱۵	چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی	۷۱/۰۱/۲۱	۱۸,۷۶۷,۰۴۲	۵۷/۸۱٪
۱۶	ششمین دوره ریاست جمهوری	۷۲/۰۳/۲۱	۱۶,۷۹۶,۷۵۵	۵۰/۶۶٪
۱۷	پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی	۷۴/۱۲/۱۸	۲۴,۶۸۲,۳۸۶	۷۱/۱۰٪
۱۸	هفتمین دوره ریاست جمهوری	۷۶/۰۳/۰۲	۲۹,۱۴۵,۷۴۵	۷۹/۹۲٪
۱۹	سومین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۷۷/۰۸/۰۱	۱۷,۸۵۷,۸۶۹	۴۶/۳۲٪
۲۰	اولین دوره شوراهای اسلامی کشور	۷۷/۱۲/۰۷	۲۳,۶۶۸,۷۳۹	۶۴/۴۲٪
۲۱	اولین دوره شوراهای اسلامی کشور	۷۷/۱۲/۰۷	۲۳,۶۶۸,۷۳۹	۶۴/۴۲٪
۲۲	ششمین دوره مجلس شورای اسلامی	۷۸/۱۱/۲۹	۲۶,۸۰۸,۴۲۳	۶۹/۲۳٪
۲۳	هشتمین دوره ریاست جمهوری	۸۰/۰۳/۱۸	۲۸,۱۵۵,۹۶۹	۶۶/۷۷٪
۲۴	دومین دوره شوراهای اسلامی کشور	۸۱/۱۲/۰۹	۲۰,۲۳۵,۸۹۸	۴۹/۹۶٪
۲۵	هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی	۸۲/۱۲/۰۱	۲۳,۷۳۴,۶۷۷	۵۱/۲۱٪

۶۲/۸۴٪	۲۹,۴۰۰,۸۵۷	۸۴/۰۳/۲۷	نهمین دوره ریاست جمهوری مرحله اول	۲۶
۵۹/۷۶٪	۲۷,۹۵۸,۹۳۱	۸۴/۰۴/۰۳	نهمین دوره ریاست جمهوری مرحله دوم	۲۷
۶۱/۰۰٪	۲۸,۳۲۱,۲۷۰	۸۵/۰۹/۲۴	چهارمین دوره مجلس خبرگان تعیین رهبری	۲۸
۶۴/۸۳٪	۲۸,۱۹۹,۹۰۳	۸۵/۰۹/۲۴	سومین دوره شوراهای اسلامی کشور	۲۹
۵۵/۴۰٪	۲۴,۲۷۹,۷۱۷	۸۶/۱۲/۲۴	هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی	۳۰
۸۴/۸۳٪	۳۹,۳۷۱,۲۱۴	۸۸/۰۳/۲۲	دهمین دوره ریاست جمهوری	۳۱
۶۳/۸۷٪	۳۰,۸۴۴,۴۶۲	۹۰/۱۲/۱۲	نهم دوره مجلس شورای اسلامی	۳۲
۷۲/۹۴٪	۳۶,۸۲۱,۵۳۸	۹۲/۰۳/۲۴	یازدهمین دوره ریاست جمهوری	۳۳
۶۲/۶۵٪	۳۱,۶۲۷,۷۰۴	۹۲/۰۳/۲۴	چهارمین دوره شوراهای اسلامی کشور	۳۴
۶۰/۹۷٪	۳۳,۴۸۰,۵۴۸	۹۴/۱۲/۰۷	پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری	۳۵
۶۱/۶۴٪	۳۳,۸۴۷,۱۱۷	۹۴/۱۲/۰۷	دهمین دوره مجلس شورای اسلامی	۳۶
۶۹/۲۶٪	۳۹,۰۶۹,۱۶۹	۹۶/۰۲/۲۹	پنجمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا	۳۷
۷۳/۳۳٪	۴۱,۳۶۶,۰۸۵	۹۶/۰۲/۲۹	دوازدهمین دوره ریاست جمهوری	۳۸
۴۲/۵۷٪	۲۴,۶۵۸,۳۶۰	۹۸/۱۲/۰۲	یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی	۳۹

### نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران با بهره‌مندی از مشروعیت فراوان حاصل از انقلاب سال ۱۳۵۷ مستقر شده است و برای استمرار آن در قانون اساسی به جنبه‌های مختلف کسب مشروعیت، تحکیم مشروعیت تثبیت مشروعیت توجه شده است.

امروزه بزرگ‌ترین مسئله‌ی اصلی که نظام جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است این است که نتواند یک حکومت موفق و کارآمدی از خود نشان دهد و اگر حکومتی به‌طور مستمر و منظم عدم کارآمدی از خود نشان دهد به تدریج مردم در مشروعیت آن تردید خواهند کرد نتیجه بحران مشروعیت، بی‌ثباتی، تزلزل و عقب‌ماندگی است.

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده این است که در جمهوری اسلامی ایران زیربناهای مشروعیت (حقانیت و قانونیت) به‌خوبی طراحی و تمهید شده است و مربوط به ماهیت نظام جمهوری اسلامی است و نقطه قوت در مقابله با بحران مشروعیت محسوب می‌شود، ولی در روبناهای مشروعیت (مقبولیت و کارآمدی) به‌رغم تلاش‌های بسیار زیاد

و کارآمدی در عرصه‌های مختلف، با وضعیت مطلوب فاصله دارد که باید با ایجاد اعتماد، قانون‌پذیری و رعایت موازین متعارف حکومتی که کارآمدی را تأمین می‌نماید، به ترمیم روبناهای مشروعیت پردازد.

## کتاب‌نامه

## الف: فارسی

۱. بدیع، برتران (۱۳۷۶)، توسعه سیاسی. ترجمه: احمد نقیب زاده. تهران: قومس.
۲. بیتهم، دیوید (۱۳۸۲)، مشروع سازی قدرت. ترجمه محمد عابدی اردکانی. یزد: دانشگاه یزد.
۳. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۵) همایش علمی مردم‌سالاری دینی، «تأثیر ساختار سیاسی بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، ج ۳، پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
۴. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران،
۵. سیف زاده، حسین (۱۳۷۵)، نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: قومس.
۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۸) بنیادهای علم سیاست. تهران: نی.
۷. فتحعلی، محمود (۱۳۸۳) مبانی اندیشه اسلامی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۸. فلاحی اصل، حامد (۱۳۹۶)، صورت‌بندی نظریات مشروعیت از جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۹. فلاحی، مجید (۱۳۸۹)، بررسی بحران‌های پنج‌گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه، دانشگاه رازی، ایران.
۱۰. کاشی، محمدجواد (۱۳۷۹)، گفتمان دموکراسی در ایران، ذهنیت تجدد پیرامونی و بحران مشروعیت دولت مدرن در ایران. پایان‌نامه.
۱۱. کاشی، محمدجواد و ساناز کرمی (۱۳۹۴)، «الگوی پیوندی مشروعیت دولت و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موارد فرهنگی در ایران»، فصلنامه دولت پژوهی، دوره ۲، سال اول، شماره ۳.
۱۲. کرامت، فرهاد؛ حسین علی پور، (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی از منظر قانون اساسی، محل نشر؟ و...
۱۳. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳)، حکومت مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: سروش.

۱۴. لوسین پای و دیگران، (۱۳۸۰)، بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی. محل نشر؟ ...
۱۵. ملکی، علی (۱۳۹۷)، «مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران: تعدد تفسیرها، چالش‌ها و راه‌کارها»، سیاست متعالیه، سال ششم، شماره ۲۱: ص ۷۷-۹۴.
۱۶. نوذری، حسین (۱۳۸۴)، «بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.
۱۷. هیوود، دیوید، (۱۳۸۹)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ دوم، تهران، نشر قومس.

#### ب: انگلیسی

18. Coicaud, Jean-Marc (2002), *Legitimacy and Politics: A Contribution to the Study of Political Right and Political Responsibility*, UK, Cambridge University.
19. Jianping, LIU (2015), "The connotation of legitimacy and the historical evolution of Western political", at International Conference on Social Science and Technology Education, part 1, Amsterdam, Atlantis Press, p. 460-462.
20. Legality and Legitimacy: The Political Philosophy (2008), Amariles, David Restrepo of Popular Sovereignty in the New Latin American Constitutions, Master in Legal Theory/Formation Doctorale en Théorie du Droit Katholieke Universiteit Brussel/ Académie Universitaire de Louvain (FUSL) EUROPEAN ACADEMY OF LE